

مجبور به خرید تمام کتابهایش از نمایشگاه بین المللی کتاب اخیر کرد، کسی که مثل بحث هاش به زبان سطح پایین و سخت افزاری VHDL میمونه تا ارائه مطالب به سبک متلب و متمتیکا به سبک خیلی ها یعنی سطحی نگری و نرفتن به اعماق فطرت، کسی که از سال ۸۹ مرا درگیر خودش کرد، کسی که اخیرا به استاد شایق گفتم من مختصر دینداری خودم در این وانفسای شبهات را مدیون شما و طاهرزاده هستم، استاد خندید و گفت از شما شنیدم همون اصفهانی را میگی، گفتم: استاد فقط شنیدید، برین ببینید چه غوغایی کرده، کسی که نیاز به تمجید من نداره و اصلا هرگز از نزدیک نه ایشان را دیده ام نه ایشان مرا، کسی که برایش دکان باز نمی کنم اما همه دنیا را بگردیم بعیده به سبک قلم، بیان و سلوکشان اُحدی پیدا بشه، کسی که نیاز جوان متفکر امروزی ست که می خواهد لذتی از دینداری اش ببرد، کسی که فقط یه مشکل داره اونم اصفهانی بودنشه!!! پ.ن: جمله آخر قطعا یک شوخی ست باور کنید! از وبلاگ عادت زده

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله وبلاگ سر زنده‌ای بود هرچند بر خیال راست، کج را خریده‌ای که گمان می‌کنی طاهرزاده است و این خبرها! ولی نگران هم نباش زیرا خداوند پاداشی مناسب تصورات خودت به تو می‌دهد و طاهرزاده می‌ماند و اعمال اش و خدایش. زیرا در حدیث قدسی حضرت حق فرمود: «أَنَا عِنْدَ حُسْنِ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ» من در گمان بنده‌ی مؤمنم هستم. پس اگر گمان شما آن است که طاهرزاده این است که گمان داری و به زعم خود یک چنین کسی را دنبال می‌کنی، پاداش تصورات خودت را به تو می‌دهند. ولی طاهرزاده باید متوجه باشد قصه‌ی او با خدا تعیین می‌شود و این‌که چه اندازه نسبت خود را با خدا شکل داده. زیرا گفت: « نیک باشی و بدت گوید خلق / به که بد باشی و نیکت بینند». موفق باشید .